یادداشت

## دانشجویان انگلیس قطار دولت را از ریل خارج می‌کنند

**اردشیر زارعی‌قنواتی**

روز چهارشـــنبه ۱۰ نوامبر دولت ائتلافی محافظه‌کار – لیبرال‌دموکرات بریتانیا در اولین آزمون خود با صخره سخت جنبش دانشجویی تصادم کرد. در این روز با اعلام طرح افزایش شهریه دانشگاه‌ها، ده‌ها هزار دانشجو از دانشگاه‌های بریتانیا در اعتراض به این طرح به خیابان ریخته و گروه‌های رادیکال‌تر با حمله به دفتر مرکزی حزب محافظه‌کار در محله «میلبنک» با پلیس نیز درگیر شدند. دانشجویان گفته‌اند طی روزهای آینده با قدرت بیشتری در اعتراضات و تجمعات شرکت کرده و دولت را به چالش خواهند گرفت. هر چند معترضان به این طرح، حزب اکثریت به رهبری «دیوید کامرون» نخست‌وزیر بریتانیا را آماج حملات خود قرار دادند اما لیبرال‌دموکرات‌ها نیز از خشم توفنده دانشجویان بی‌نصیب نماندند. اتحادیه‌های دانشـــجویی با استناد به سخنرانی «نیک کلگ» رهبر حزب لیبرال‌دموکرات در ماه ژوئن مبنی بر اینکه رای‌دهندگان حق دارند در صورت خلف وعده و دست داشتن در اقدامی خطا توسط نمایندگان، آنان را استیضاح کنند یا خواهان برگزاری دور جدید انتخابات در آن حوزه شوند، تهدید کرده‌اند معاون نخست‌وزیر را از اوج به زیر خواهند کشید. تنها چند ساعت بعد در جلســه پارلمان خانم «هریت هارمن» نماینده ارشد حزب مخالف کارگر در اظهارات تندی آقای نیک کلگ معاون نخســت‌وزیر و رهبر حزب لیبرال‌دموکــرات را به دورویی و شعارهای دروغ در جریان انتخابات اخیر متهم کرده و وی را به چالش گرفت. هارمن بر نکته‌ای دست گذاشت که دقیقاً یکــی از محورهای برنامه انتخاباتی لیبرال‌دموکرات‌ها بود و آنان وعده داده بودند که مخالف افزایش شــهریه دانشگاه‌ها هستند و در صورت ارائه هرگونه طرحی در این خصوص به آن رای منفی خواهند داد. البته قانون جدید در مورد افزایش شهریه‌ها به تبعیت از برنامه ریاضت اقتصادی دولت بریتانیا انجام گرفته است. ظاهراً سندروم برنامه‌های ریاضت اقتصادی و اصرار بر اجرایی کردن آن که حتی با موج چندین‌میلیونی مخالفان و اتحادیه‌های کارگری در فرانســه توســط «نیکلا سارکوزی» رئیس‌جمهوری راســتگرای این کشور تصویب و امضا شد، دوستان بریتانیایی «تناردیه پاریسی» را به این گمان انداخته اســت که از موج اعتراضات به ســلامت گذر خواهــد کرد. این در حالی اســت که وضعیت در بریتانیا به طور اساســی با وضعیت در فرانســه تفاوت خواهد داشت و دولت حاکم در ساختمان شماره ۱۰ خیابان داونینگ استریت ذاتاً یک ماهیت پارادوکســیکال و دوگانه دارد که در مسیر تلاطم‌های سیاســی – اجتماعی به شدت آسیب‌پذیر است. افزایش شــهریه دانشگاه‌ها در قانون بودجه ریاضتی بریتانیا برای دانشجویان هزینه تقریبی سه برابر را به همراه داشته و از سه به ۹ هزار پوند می‌رسد. هر چند گفته شده است دولت به دانشــجویانی که قادر به پرداخت نقدی نیستند وام‌های درازمدت اعطا خواهد کرد، اما این امتیاز سالوسانه نیز هیچ دردی از آنان درمان نکرده و بســیاری از این دانشــجویان را تا آخر عمر بدهکار سیســتم بانکی کشــور می‌کند. رهبران اتحادیــه سراســری دانشــجویان در روز چهارشــنبه اعلام کردنــد دولت بریتانیا درصدد اســت از مســوولیت خود در قبــال امکانات تحصیلی شــانه خالی کند. ایــن اتحادیه‌ها تهدید کرده‌اند نمایندگان پارلمانی حزب لیبرال‌دموکرات را وادار خواهنــد کرد به وعده انتخاباتی خود در خصوص عدم افزایش شهریه دانشگاه‌ها عمل کنند. دانشجویان معترض در تظاهرات خشم‌آلود خود در این روز با شعار «کاهش بودجه را لغــو کنید» به خیابان آمدند و اتحادیه ملی دانشــجویان تهدید کرده اســت به زودی با شــمار بی‌سابقه‌ای به خیابان می‌آییم تا به سیاستمداران خود بگوییم «دیگر بس است». اعتراضات روز چهارشنبه از سوی دانشجویان بسیار بیش از آنچــه رهبران دولت ائتلافی لندن تصور می‌کنند برای آنان گران تمام خواهد شد چراکه حزب لیبرال‌دموکرات به عنوان یک نیروی چپ میانه را می‌تواند در مسیر انشعاب و ریزش نیــرو قرار دهد و قربانی اول این ســیاهچاله خطرناک کند. قانون جنجالی افزایش شــهریه دانشــگاه‌ها به زودی پاشنه آشیل دولت ائتلافی را در معرض تهاجم معترضان خیابانی، بدنه و حتی شاید تشکیلات حزبی لیبرال‌دموکرات‌ها و افکار عمومی بریتانیا قرار می‌دهد. مسیر رویدادهایی که متعاقب در پیش گرفتن برنامه‌های ریاضت اقتصادی در اروپا از یونان، اسپانیا، پرتغال، آلمان، ایتالیا، فرانسه و بریتانیا به راه افتاده است دولت‌های سرمایه‌داری غرب را بیش از پیش در مقابل جامعه دموکراتیک و مطالبه‌محور قرار خواهد داد. در این مسیر محافظه‌کاران ضربه می‌خورند اما شرکای چپ میانه با بحران هویت و ریزش نیرو نیز دست به گریبان می‌شوند که سرنوشت حزب لیبرال‌دموکرات بریتانیا در آینده نزدیک می‌تواند یک تجربه تاریخی در آرایش جدید نیروهای سیاسی و موقعیت سوسیال‌دموکراسی اروپایی در قبال برنامه‌های نقض‌کننده دولت رفاه کینزی به حساب آید.

# همه مشکلات یک رئیس‌جمهور

**ترجمه: محمدعلی فیروزآبادی**

دو ســال پیش با انتخاب باراک اوباما به ریاست‌جمهوری امریــکا، امید به چرخش به ســمت ارزش‌های چپ و دولتی قدرتمنــد در میان هوادارانش جان گرفت. اما امروز بار دیگر جمهوریخواهان به اکثریت مجلس نمایندگان رسیده‌اند و این همه نشان می‌دهد امریکا همچنان کشوری محافظه‌کار باقی می‌ماند. ساعاتی قبل از سفر اوباما به آسیا هواپیمای شماره یــک نیروی هوایی ایالات متحده برای نظافت و بارگیری در فــرودگاه نظامی اندروس به زمین نشســت و فرش قرمز به نشانه ورود قریب‌الوقوع رئیس‌جمهور باز شد. نزدیک به ۲۰۰ خبرنگار و دوجین نیروی امنیتی و آشپز و مشاور و به عبارت دیگر نیمی از ساکنان کاخ سفید رئیس‌جمهور را در این سفر همراهی می‌کردند و البته روزنامه‌نگاران و عده‌ای دیگر با یک هواپیمای چارتر به این سفر رفتند. پرواز بر فراز آتلانتیک به سوی پایگاه رامشتاین در آلمان هشت ساعت به طول انجامید و سپس هشت ســاعت دیگر تا بمبئی ادامه یافت. این سفر البته سفری عادی و برنامه‌ریزی‌شده از سوی یک رئیس دولت است. اما همین سفر عادی ناگهان به موضوع روز تبدیل شد و حــال دیگر نمی‌توان آن را ســفری عادی تلقی کرد. یکی از مقامات دولت هند در بمبئی از این مســاله در شگفت بود که چرا اوباما برای این ســفر چنین بودجه هنگفتی را صرف می‌کند، چرا تعداد همراهانش تا این اندازه زیاد اســت، چرا برای هر ملاقاتی باید از هلی‌کوپتر استفاده کند، به چه دلیل به لیموزین‌های ضدگلوله و بادی‌گاردهای مسلح نیاز دارد و چرا برای هر روز ســفر به هند بودجه‌ای ۲۰۰ میلیون‌دلاری در نظر گرفته شده است. از نظر این مقام هندی چنین کاری نشانه نوعی خودبزرگ‌بینی اســت و هنگامی که رسانه‌های امریکایی از تعجب وی خبردار شدند شروع به پخش اخباری در این مورد کردند. یکی از خبرگزاری‌های راستگرا به همراه شبکه فاکس‌نیوز از این کار یک رسوایی ساختند و در نهایت «میچل باخمن» نماینده جنبش تی‌پارتی از مینه‌سوتا گفت: «این رئیس‌جمهور چه تصویر زشتی از خود ارائه می‌دهد!»

امریکا اوبامای ولخرج و کسی را که از دولتی قدرتمند دم می‌زند اما بار دیگر پول هدر می‌دهد، دوست ندارد. و این یک پیام بود. کاخ سفید ارقام اعلام‌شده را پوچ خواند و این اخبار را تکذیب کرد اما تکذیب‌ها شایعه را متوقف نمی‌کند. مساله این است که چنین شایعه‌هایی در واقع واکنش مردم و البته سیاســتمداران راستگرا را می‌رســاند، کسانی که می‌خواهند بداننــد اوبامــا واقعاً چه کار می‌کند؟ از نظــر آنها اوباما همان کســی اســت که بودجه‌ای صدهامیلیارد دلاری برای برنامه کمک‌های مالی‌اش تصویب می‌کند و اصلاحات بهداشــت و درمانش میلیاردها دلار هزینه دارد و این همه در حالی است که وی هنوز هم نتوانسته است حتی یک شغل جدید در کشور ایجاد کند. دو سال از آن روزی که باراک اوباما به عنوان اولین رئیس‌جمهور سیاهپوست امریکا انتخاب شد، گذشت. در آن زمان امریکا به برگزیدن یک سیاهپوست برای این مقام افتخار می‌کرد؛ رئیس‌جمهوری جوان، تاثیرگذار با رویی گشاده برای همه. چپ‌ها از خوشحالی در پوست خود نمی‌گنجیدند و «سام تانن هاوس» با شور و شعف در مجله لیبرال جمهوری جوان از «مرگ محافظه‌کاری» می‌نوشت و بسیاری از روشنفکران عصر جدیدی به نام «نئولیبرالیســم» را نوید می‌دادند. ظاهراً اوباما هــم این حرف‌ها را باور کرده بود. و حال دموکرات‌ها بیش از ۶۰ کرســی مجلس نماینــدگان را در انتخابات میان‌دوره‌ای، یعنی اکثریت این مجلس را، از دست داده‌اند؛ همان اکثریتی که چهار سال پیش به دست آورده بودند. علاوه بر آن حداقل شش کرسی مجلس سنا و بیش از ۹ پست فرمانداری را هم به جمهوریخواهان واگذار کردند. به این ترتیب شکست اوباما در این مقطع بارزتر از شکست رونالد ریگان در اولین انتخابات میان‌دوره‌ای سال ۱۹۸۲ و بارزتر از شکست بیل کلینتون در ســال ۱۹۹۴ اســت. عده زیادی یک شب کامل در پی یافتن دلایل این شکست بودند. آیا این شکست مانند سیلی مهیب اوباما را در خود غرق می‌کند؟ اصولاً این سیل بود یا تسونامی؟ با این حال آن پرســش اصلی بی‌پاسخ مانده است: اوباما چرا باخت؟ آیا این شکست به خلق و خوی رای‌دهندگان مربوط است؟ یعنی نوعی احساس حسد و نژادپرستی؟ یا واکنشی است منفی به سیاست‌های اوباما؟ اوباما روز بعد از آن شکست برای حضور در کنفرانس خبری به بخش شــرقی کاخ سفید آمد و با یک خیز کوچک به پشت تریبون رفت. یکی از خبرنگاران پرســید چرا دیگر آن جادویش کارایی ندارد و دیگر نمی‌تواند در دل مردم جای گیرد؟ اوباما پاسخ داد: «ایزوله شدن در کاخ سفید کار خطرناکی است. زمانی یک سال تمام برای مبارزات انتخاباتی به آیوا در رفت و آمد بودم و مردم هیچ شکایتی از من نداشتند.» رئیس‌جمهور امریکا به اشتباهاتش اعتراف می‌کرد و البتــه به ضعف‌ها و کمی هم بــه افراط‌هایش. او گفت: «ما چنان رفتار کردیم که گویی در وضعیتی اضطراری قرار داریم. می‌توانم درک کنم که مردم فکر می‌کردند این برنامه ماست.» و سپس ادامه داد: «می‌فهمم که برخی مردم این را می‌دیدند و می‌گفتند همه اینها افراط و زیاده‌روی اســت.» این حرف‌ها نشانی از درکی دیرهنگام داشت و حال می‌خواست وانمود کند کــه حرف دل اکثریت را می‌زند و البته نتایج انتخابات جناب رئیس‌جمهــور را به ایــن کار وادار کرده بود. امریکا در دوران بحران، اعتمادی به این دولت ندارد. بیش از نیمی از امریکاییان خواهان دولتی کوچک‌تر هســتند و به همین اندازه دولت را تهدیدی برای آزادی‌های فردی می‌بینند. امریکا برخلاف اروپا هر زمان که وضعیت کشور نابسامان است بر قدرت فرد تکیه دارد. در همان حال که در یونان مردم به خیابان‌ها می‌ریزند و دولتی سخاوتمندتر می‌طلبند، در امریکا جنبش تی‌پارتی وارد معرکه می‌شود؛ جنبشی که اصولاً چیزی به نام دولت را دشمن خود می‌داند. امریکاییان پس از سال‌ها بار دیگر چیزی به نام کمبود را تجربه می‌کنند. وضعیت اسفبار بودجه چنان است که هر دو اردوگاه سیاسی را ناراضی کرده است. چپ‌ها از دولت می‌خواهند که بیشتر خرج کند و راست‌ها خواهان مالیات‌های کمتر هستند. این هر دو خواسته در دوران شکوفایی اقتصادی زمان کلینتون امری ممکن بود. در آن زمان هم بانک مرکزی سود بانکی را کاهش داد اما این وضعیت در این دوران به شدت وحشــتناک‌تر اســت. بانک مرکزی به آخرین راه‌حل متوسل می‌شود و بازار را لبریز از نقدینگی جدید می‌کند. حال امریکا باید تصمیم بگیرد. بزرگ‌ترین مشــکل (که اوباما در دو سال باقیمانده از دوره اول ریاست‌جمهوری‌اش باید آن را حل کند) این اســت؛ ایجاد شغل و همزمان سروسامان دادن به بودجه. بدهی‌های دولت در پایان سال جاری ۹۴ درصد تولید ناخالص ملی را شامل می‌شود و اگر اوباما مالیات‌ها را افزایش ندهد باید چنان سیاست صرفه‌جویانه‌ای را در پیش بگیرد که در تاریخ روسای جمهور پیشین امریکا بی‌سابقه باشد.

اقتصاددانان و تحلیلگرانی چون «توماس ادسال» از عصری جدید می‌گویند؛ عصری با عنوان «امریکا در مســیر تحول»، عصری که در آن دیگر چیزی افزایش نمی‌یابد. امریکا تنها در سال آینده کسری بودجه‌ای بالغ بر ۱/۳ بیلیون دلار را شاهد خواهد بود که یا با افزایش مالیات‌ها یا از طریق صرفه‌جویی و کاهش هزینه‌ها می‌توان بر آن غلبه کرد. «آرتور بروکس» مدیر بنیاد «امریکایی‌های محافظه‌کار پیشرو» از یک «جنگ فرهنگی جدید» می‌گوید؛ جنگی که میان طرفداران و مخالفان دولت جریان دارد.

در حال حاضــر جمهوریخواهان صاحب اکثریت مجلس نمایندگان هستند و سخنگوی آینده این مجلس یعنی «جان بوهنر» مرد قدرتمند جدید واشنگتن محسوب می‌شود. به این ترتیــب از این به بعد محافظه‌کاران نیز برای حل مشــکلات کشور مســوول هستند؛ مشکلاتی چون وضعیت وخیم بازار کار و بحــران بدهی‌ها. و رای‌دهندگان هم در روز دوم نوامبر نشــان دادند اگر حزبی نتواند مشــکلات آنان را حل کند تا چه اندازه ناشــکیبا هستند. پرســش این است که طرفداران خشــمگین جنبش تی‌پارتــی یعنی همان بخــش رادیکال جمهوریخواهــان چه رفتاری در پیــش خواهند گرفت؟ آنها در حوزه‌های مهمی بازنده شدند. در نوادا و دیلیور هیچ یک از کاندیداهای جنجالی این جنبش رای لازم را کســب نکرد و به همین خاطر حزب جمهوریخواه به اکثریت مجلس سنا دست نیافت. علت اصلی ناکامی تی‌پارتی هم شاید عدم توجه کافی در انتخاب و معرفی کاندیداها و لجاجت و بی‌توجهی به برخی اصول پذیرفته‌شــده بود. اما با همه این ناکامی‌ها این جنبش مدنی راستگرا مهم‌ترین برنده این انتخابات محسوب می‌شود. تعداد زیادی از افراد برجسته این جنبش به کنگره راه خواهند یافت، به عنوان مثال «رند پاول» سناتور ۴۷ساله و جدید کنتاکی که یک چشم‌پزشــک است و می‌تواند برای آن نســل جدید و ناپخته تی‌پارتی که به عرصه سیاست راه یافته‌اند یک الگو باشــد. یا «مارکو روبیو»ی ۳۹ســاله وکیل دادگســتری و نماینده نسل آینده سیاســتمداران که او نیز از ژانویه امسال به عنوان سناتور فلوریدا به مجلس سنا وارد خواهد شد. روبیو امید بزرگ تی‌پارتی به شمار می‌آید؛ مردی خوش‌ظاهر، کوبایی‌تبار و مسلط به دو زبان. برخی عقیده دارند او به مانند اوباما ســخنران ماهری است. با این حال بسیاری از هواداران تی‌پارتی همچنان از «سارا پیلن» فرماندار سابق آلاسکا به عنوان ستاره خود یاد می‌کنند البته اگر خانم پیلن بتواند در انتخابات آینده ریاســت‌جمهوری به کاخ سفید راه یابد. اما جنبش تی‌پارتی تا چه اندازه برای مصالحه و سازش آمادگی دارد؟ کاندیداهای این جنبش بارها و بارها در این دوره بر روی اهمیت اصول‌شان تاکید کرده و می‌کنند و این اصرار آنها طرف مقابل را به واکنش‌های تمسخرآمیزی واداشته است. «جنیفر شیور» نویسنده مجله نیویورک می‌نویسد: «هواداران تی‌پارتی عقیده دارند راه‌حل در نابودی هرچه بیشــتر دولت نهفته است و این عقیده و اصل یادآور تفکر نوجوانان خیره‌سری است که گمان دارند فقط با مردن یا کشتن والدین همه چیز درســت و خوب می‌شــود.» اما اوباما تا چه اندازه می‌تواند به جمهوریخواهان نزدیک شود بدون آنکه انتخاب مجددش در سال ۲۰۱۲ را به خطر اندازد؟ با پیروزی جمهوریخواهان در انتخابات اخیر و دســت یافتن آنها به اکثریت مجالس ایالتی و در اختیار گرفتن فرمانداری ایالت‌ها از ســوی آنان، شانس انتخاب دوباره اوباما در دو سال آینده به شدت کاهش می‌یابد زیرا به این صورت جمهوریخواهان این قدرت را دارند که در ایالت‌هــای مهم و تعیین‌کننده حوزه‌هــای انتخاباتی جدید تشکیل و به این گونه شانس حزب خود را افزایش دهند. اما حتی دموکرات‌ها هم می‌توانند برای اوباما تبدیل به یک مساله و مشکل شوند. اوباما با هر گامی که به سوی جمهوریخواهان بردارد دوستان حزبی بیشتری را از دست خواهد داد. اگرچه از این پس اکثریت مجلس نمایندگان از آن دموکرات‌ها نخواهد بود اما وزن و تاثیر جناح چپ آنان بر جناح‌های دیگر دموکرات می‌چربد. از چندی پیش برخی از دموکرات‌ها به صورت علنی در این مورد بحث می‌کنند که آیا بهتر نیســت در انتخابات مقدماتی ریاست‌جمهوری کاندیدای دیگری مقابل اوباما عرضه کنند، به عنوان مثال «هوارد دین» که در سال ۲۰۰۴ یکی از کاندیداهای دموکرات ریاست‌جمهوری بود.

اوباما برای ۱۰ روز به آسیا رفت تا محصولات امریکایی را عرضه کند، بازارهای جدید برای شــرکت‌های امریکایی پیدا کند، هواپیما و قطارهای سریع‌السیر بفروشد و به گفته خودش به همین خاطر تعداد همراهان وی تا این اندازه زیاد بود. اما بازگرداندن اقتصاد امریکا به عرصه اقتصاد صادراتی آن هم پــس از مدت‌ها که این اقتصاد با تزریق پول زندگی می‌کند، پروژه‌ای بلندپروازانه محسوب می‌شود. شاید این پروژه بیشتر به یک آرزو شــبیه باشد تا به وسیله آن بتوان از تصمیم‌های مخاطره‌آمیز در آینده طفره رفت اما هر چه هســت این یک راه‌حل بسیار امریکایی به حساب می‌آید.

**منبع: اشپیگل**

گزارش

## توافق سران آپک برای ایجاد منطقه آزاد تجاری

سران کشــورهای آپک در اجلاس خود در ژاپن درباره ایجاد یک منطقه آزاد تجاری به توافق رســیدند. این اقدام در جهت ادغام اقتصادی کشورهای عضو خواهد بود. سران آپک بر تدوین استراتژی مشترکی در زمینه رشد اقتصادی تاکید کردند. در پایان نشســت یوکوهاما برنامه‌ای اصلاحی نیز برای پشتیبانی از آموزش در امور شرکت‌های اقتصادی به تصویب رسید. ۲۱ کشور عضو آپک از این طریق خواهان تضمین رشدی مستمر در منطقه تحت نفوذ خود هستند. اجلاس سران آپک همچنین توافق کرد با ایجاد منطقه آزاد تجاری تا سال ۲۰۲۰ میلادی، زمینه ادغام اقتصادی میان کشورهای عضو را فراهم کند. کشورهایی نظیر امریکا، چین، ژاپن، روسیه ، کانادا، استرالیا، اندونزی، مکزیک و کشورهایی دیگر در آسیا، اقیانوسیه و امریکای جنوبی عضو آپک به شمار می‌آینــد. عقد قرارداد یک همکاری اقتصادی میان چین و امریــکا باید به عنوان الگویــی اولیه برای ایجاد منطقه آزاد تجاری در نظر گرفته شود. چین با سریع‌ترین رشد اقتصادی در منطقه در آینده از حمایت ویژه امریکا برخوردار خواهد شد. این قرارداد چارچوب همکاری‌های دیگری را نیز تعیین کرده است. منطقه آزاد تجاری که مورد توافق کشورهای آپک است، دربرگیرنده ۴۰ درصد از جمعیت جهان است. در این منطقه حدود نیمی از فرآورده‌های اقتصادی تولید می‌شود. تاکنون ایده منطقه آزاد تجاری هدفی بلندمدت به شــمار می‌آمد. باراک اوباما رئیس‌جمهور امریکا نیز در این نشست از کشورهای عضو خواست با رفع موانع موجود، بازارهای خود را به روی کالاهای امریکایی بگشایند. موازنه تجاری امریکا با برخی کشورهای عضو آپک منفی است. نشست آتی سران آپک در ایالت هاوایی در امریکا خواهد بود. از ســوی دیگر کشورهای آپک خواهان جلوگیری از ارزش‌گذاری ناعادلانه در زمینه ارزی هستند. مبادله ارزی در آینده باید بیش از پیش توسط مکانیسم‌های اقتصادی و بازار تنظیم شود. ارزش ارزها باید بازتاب پایه‌ها و توانایی‌های اقتصادی در هر کشور باشد. در نشست آپک اختلافات میان امریکا به عنوان قدرت سنتی اقتصاد جهانی، و چین به عنوان قدرت نوظهور اقتصادی نیز به بحث گذاشته شد. اختلافات میان این دو کشور سایه خود را بر اجلاس گروه ۲۰ در ســئول نیــز افکنده بود. اوباما در یوکوهاما از کشورهایی همچون چین خواست در مسیر رشد اقتصادی، خود را از وابستگی صرف به صادرات برهانند. به گفته اوباما، این کشورها موازنه بسیار بالای تجاری داشته و برای افزایش رشد اقتصادی باید به تقویت بازار داخلی خود نیز توجه داشته باشند. در مقابل هوجین‌تائو رئیس‌جمهور چین هشدار داد نباید از رشد اقتصادی کشورها جلوگیری کــرد. امــا وی تاکید کــرد چین در حــال تغییر تدریجی سیاســت اقتصادی خود است. رئیس‌جمهور چین تصریح کرد درهای این کشــور بر روی سرمایه‌گذاری خارجی باز اســت و چین مخالف دخالت‌های دولتی در عرصه اقتصاد اســت. هوجین‌تائو همچنین اظهار داشــت ارزش پول این کشور(یوآن) به آرامی افزایش خواهد یافت.

**منبع: دویچه‌وله**

## دبیر کل ناتو: روسیه متحد است، نه تهدید

**آندرس فوگ راسموسن دبیر کل ناتو نشست سران ناتو در لیسبون، سپر دفاع ضدموشکی در اروپا، افغانستان و ترکیه را در گفت‌وگو با روزنامه دی ولت آلمان به بررسی گذاشت.**

---

**– آیا در نشست سران ناتو برنامه سپر دفاع ضدموشکی به تصویب می‌رسد؟**

بله، من در این مورد خوش بین هستم.

**– و در مورد ترکیه وضعیت به چه نحوی پیش خواهد رفت؟**

هنوز پاره‌ای مسائل لاینحل وجود دارد. اما من اطمینان دارم ما قبل از نشست لیسبون آنها را حل می‌کنیم.

**– شــما در برنامه ســپر موشکی از هزینه‌ای ۲۰۰ میلیون یورویی سخن گفتید. آیا ساخت چنین سپری هزینه‌های بیشتری در پی نخواهد داشت؟**

چنین سپری با هزینه‌های بسیار بیشتری همراه خواهد بود. اما هزینه‌های بیشتر ساخت این ســامانه از بودجه ناتو تامین می‌شود. وظیفه جدید ناتو نیز این خواهد بود که سیستم دفاع ضدموشکی اروپا را با سیستم امریکا مرتبط سازد. از این طریق ما یک سامانه دفاعی منطقه‌ای خواهیم داشت که از مردم ما در اروپا محافظت می‌کند.

**– شما خواهان حضور حتمی روسیه در ساخت چنین سامانه‌ای هستید. آیا مسکو برای شما یک متحد است یا یک تهدید بالقوه؟**

مطمئناً یک متحد و نه یک خطر و ما باید این همکاری را همچنان گسترش دهیم.

**– اگر روسیه یک متحد است در این صورت این به آن معناست که ناتو دیگر نیازی به آماده کردن خودش برای مواجهه با روســیه ندارد بلکه باید به فکر حفاظت از متحدان شرقی خود باشد.**

من اطمینان خاطر می‌دهم که همه اقدامات ما دراین راستاست که ما از متحدان خود در برابــر هــر تهدیدی محافظت کنیم اما به عقیده من بهترین محافظت، همکاری اســت. طبیعی است که ما اختلاف نظرهای بسیاری با مسکو داشته باشیم. یکی از اصلی‌ترین موارد گرجســتان اســت. در این مورد ما همچنان حامی استقلال گرجستان و وحدت ارضی این کشور هستیم اما این مساله نباید چالش‌های جمعی ما را تحت تاثیر قرار دهد. افغانستان، مقابله با ترور و مواد مخدر، دزدان دریایی و همین طور دفاع ضدموشکی.

**منبع: ایسنا**